

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۲۱۳

جلسه

۲۴۸

قیمه اشتراك

داخله ایران سالبانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

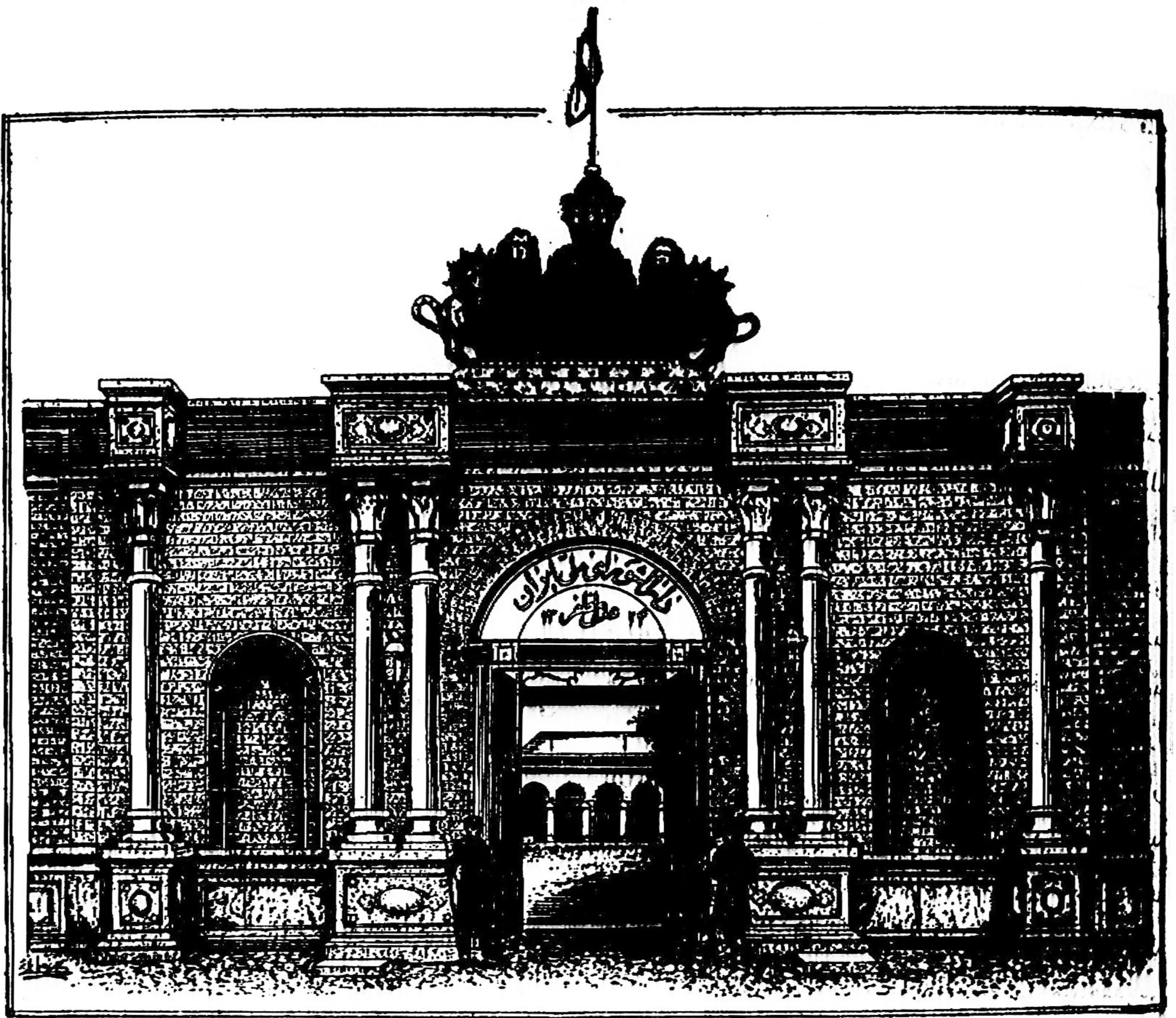
۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۶

خرداد ماه ۱۳۰۷

مطابق ۷ ذیحجه

۱۳۴۶



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۶ خرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۶

جلسه ۲۴۸

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : جمشیدی مازندرانی - آبت الله زاده خراسانی
 نکهبان - میر ممتاز - حیدری مکری - میرزا محمد تقی
 طباطبائی - امیر ندمور کلالی - ارباب کبکخسرو شاهرخ

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر
 بریاست آقای پرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس يوم قبل را آقای
 دولتشاهی قرائت نمودند)

افسر - آقا زاده سبزواری - محمد تقی خان اسعد -
 مخبر فرمندی - آقا میرزا هاشم آشتیانی - بهار - امامی
 خوئی - نقة الاسلامی - جهانشاهی - لبقوئی - اسکندری
 ملك آرائی - میرزا عبدالحسین کرمانی - ابراهیمی -
 مولوی - سلطان محمد خان عاسری -

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان اسدی : ذوالقدر - دکتر طاهری - اعظمی
 قوام شیرازی - م - دوی - مقدم - عباس میرزا -
 احتشام زاده کندی بخش - حاج حسن آقا ملك -
 محمد ولی میرزا - فرشی - عدل - جوانشیر - میرزا
 حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملك - محمود رضا
 تقی زاده -

در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : مرتضی قلی خان بیات - ملك مدنی - افخمی
 در آمده كان بی اجازه جلسه قبل

آقای حاج میرزا حبیب الله امین

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم در صورت جلسه عرض
 دارم و هم بعد از فرمایش آقای دکتر مصدق
 رئیس - در صورت مجلس اعتراضی دارید بفرمائید
 بعد ثانیاً باید اجازه بگیرد

آقا سید یعقوب - راجع به قرار داد تجارتی بنده یا
 تذکری دادم وزیر مالیه هم جواب گفتند برای توضیح
 بایستی این تذکر در صورت مجلس نوشته شده باشد
 چون نبود میخواستم تذکر بدم اصلاح بشود
 رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس ایرادی ندارد
 (گفته شد خیر)

رئیس - مخبر کمیسیون عرایض قرائت میشود
 (بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای جشبیدی نظر بعدم غیبت از اول
 دوره تا تاریخ حرکت برای سرکشی امورات شخصی تقاضای
 دو ماه مرخصی کرده اند کمیسیون اظهارات ایشان را
 تصدیق با مرخصی دو ماهه ایشان از تاریخ حرکت موافق

اینک خبر آرا تقدیم مینماید
 رئیس - آقا باینکه این خبر را تصویب میکنند قیام
 فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. طرح قانونی راجع به بیزی
 مطرح است. آقای روحی

بطوریکه نمایندگان محترم مستحضرد اصلا مالیات بیزی
 يك اشکالی در این مملکت پیدا کرده است که هر قدر
 میخواهند اصلاح کنند نمی شود. و بالاخره يك مسئله
 بقرنچی شده است برای جامعه. و بطوریکه بنده شنیدم
 سه میلیون بیشتر عایداتش نیست و پنج کرور که در
 میلیون و نیم باشد وزارت مالیه خرج این کار میکند
 ما آن کاری که به نفع جامعه است و واقعاً مردم باید
 از او استفاده کنند نمیکنیم چرا اصلا این مالیات را
 الغاء نمیکنیم؟ اگر چنانچه آقایان توجه فرمایند واز
 مخارج غیر لازمی که در این مملکت میشود حذف کنند
 و بجای آن این مالیات را الغاء کنند فایده اش برای
 ما خیلی بیشتر خواهد بود. همه روزه می آیند و بدون
 اینکه به این کار مطالعه کنند يك تغییراتی میدهند با هم
 میزی و باز يك اشکالاتی تولید میشود همین اصلاحی که
 در قانون به نفع يك قسمت مملکت است که شمال و
 شمال غرب است و بضرر يك قسمت عمده از مملکت
 است که جنوب باشد و بنده حاضریم این را ثابت کنم
 چیزیکه هست کمیسیون قوانین مالیه هم نخواسته اند
 که دو نفر از نمایندگان جنوب را حاضر کنند
 از آنها پرسند در آنجا چطور عمل میکنند که آنها اظهار عقیده
 کنند آنوقت فردا بنده و آقای آقا سید یعقوب و دیگران هم
 به تیر ملامت موکلین خود مان گرفتاریم که يك همچو
 قانونی از مجلس گذشت و ما متوجه نشدیم آخر مملکت
 يك جهات اربعه دارد بنده ثابت میکنم که این قانون
 به نفع شمال و بضرر جنوب است.

و الان دلائل خود را ذکر میکنم هیچ چاره جز

اینکه ما این مالیات را لغو کنیم و در مقابلش يك
 مالیات دیگری وضع کنیم. نداریم بنده می بینم غالب
 وکلا با این طرح موافقت و دولت هم موافق است اما
 علت چیست؟ برای بنده مجهول است. اغلب اشخاص
 متمول هستند که معامله میکنند و صدی چهارده صدی
 پانزده تا صدی بیست و چهار برخلاف قانون فرغ میکنند
 و از این معاملات عمده که میکنند و فایده میبرند يك
 شاهی بدولت نمیدهند. برای آنها هیچ گفتگویی نیست
 اما آنوقت تا آمد و بیست هزار تومان داد و يك ده
 خرید فوری با انواع و اقسام و به صیغه های مختلف
 ازش مالیات میگیرند این همه کپانیها سرمایه دارها که
 به انواع و اقسام منافع عمده میبرند بکدامند دولت نمیدهند
 علاوه از معارف مملکت و از تمام مؤسسات مملکت
 استفاده میکنند و بکشاهی بیج صیغه مالیات نمیدهند
 آنوقت آن رعیت بیچاره و آن طبقه زحمت کش به انواع
 و اقسام ازش مالیات گرفته میشود. بالاخره این مخالف
 حکومت شوروی است بنده عقیده ام این است که باید
 مجلس و دولت با يك ترتیب خاص يك مالیاتی برای
 اشخاص متمول با بضاعت وضع کنند و طبقه زحمت کش
 بدیخت را الی الابد معاف فرمایند امیدواریم که اخلاف
 ما بیایند و بکنند آنچه که ما انتظار داریم. اما این
 قانون و اصلاحی که در آن شده است معایب بزرگ
 دارد که من جمله فرقی که مابین شمال و جنوب
 گذارده شده است بنده اطلاع دارم و از جریان معاملات
 بین رعیت و مالک مستحضرم در شمال تمام زحمت بارعیت
 است بذکر را رعیت میدهد، کس او را رعیت میدهد؟
 کور را رعیت میدهد، مالک فقط آب و زمین را میدهد
 و يك حق استفاده میکند ولی در جنوب این طور
 نیست تمام مخارج یا مالک است نخم را مالک میدهد،
 کس او را مالک میدهد، آب و زمین را مالک میدهد،
 آنوقت با این همه خسران و این همه ضرر و بدبختی باید
 صدی نه عوائد خود را بدولت بدهد. در دهات هم دان
 آنجا بایجان و عراق و در قسمتهای دیگر آنطوریکه بنده

اطلاع دارم این قانون يك قانون با صرفه است اما در قسمت جنوب
 مخصوصاً بزد و کرمان و شیراز شاید اصفهان هم همینطور
 باشد.

شیروانی - اصفهان هم همینطور است
 روحی - اصفهان هم همینطور است و این قانون
 بضرر يك مشت مالکین نام خواهد شد و بالاخره آن
 توجهی که نسبت به عمران و آبادی شمال شده بجنوب
 نشده بنده از کرمان اطلاع دارم يك نفر مالک نیست
 که سه ملك شش دانگی مثل شمال و غرب ایران داشته
 باشد آنوقت این مالک بد بخت باید آب بدهد کس بدهد
 زمین بدهد. کس بدهد. بذکر هم بدهد آنوقت صدی سه
 هم از عایداتش کسر شود این بضرر اوست من مخصوصاً
 استدعا میکنم از آقای مخبر محترم که توجه فرمایند
 و این قانون را پس بگیرند و ببرند در کمیسیون و وکلای
 جنوب را هم بخواهند و نظریات آنها را هم جلب کنند
 که يك قانونی از مجلس بگذرد که فردا صدای مردم
 بلند نشود این است عقیده بنده

فهمی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه بنده مقدمه
 باید يك مطلبی را خدمت آقایان تذکر بدم و آن اصل
 سی ام قانون اساسی است نماینده مجلس تنها نماینده
 حوزه انتخابیه خودش نیست بلکه نماینده تمام نقاط
 مملکت است و البته تمام اهالی مملکت مسافر هستند
 و وقتی هم که قانون وضع میشود البته باید بحال همه
 علی السویه باشد این قانونیکه برای مجزی وضع شده است
 بکلی مخالف این نظر است...

کازرونی - یعنی مخالف قانون اساسی است؟
 فهمی - اجازه بفرمائید بنده عرایضم را عرض کنم
 بلی همینطور که میفرمایند شاید برای یکی دو نقطه
 مملکت مفید باشد ولی در عمل ملاحظه شد که يك
 قسمت عمده مملکت یعنی قسمت حاصل خیز تر ایران
 ضرر فوق العاده از این قانون میبرد یعنی از استرابادو
 مازندران و تنگان و کیلان تا حدود غرب که قسمت
 حاصلخیز تر ایران است همه از این قانون فعلی متضرر

افسر - آقا زاده سبزواری - محمد تقی خان احمد -
مخبر فرهمند - آقا میرزا هاشم آشتیانی - بهار - امامی
جوئی - نفع الاسلامی - جهانشاهی - لایقوانی - اسکندری
ملك آرائی - میرزا عبدالحسین کرمانی - ابراهیمی -
مواوی - سلطان محمد خان عامری -

اینک خبر آرا تقدیم میباید
رئیس - آقا بابیکه این خبر را تصویب میکنند قیام
فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . طرح قانونی راجع به بیزی
مطرح است . آقای روحی

بطوریکه نمایندگان محترم مستحضرنه اصلاً مالیات بیزی
بک اشکالی در این مملکت پیدا کرده است که هر قدر
میخواهند اصلاح کنند نمی شود . و بالاخره بک مسئله
بقرنچی شده است برای جامعه . و بطوریکه بنده شنیده ام
سه میلیون بیشتر عایداتش نیست و پنج کرور که در
میلیون و نیم باشد وزارت مالیه خرج این کار میکند
ما آن کاری که به نفع جامعه است و واقعاً مردم باید
از او استفاده کنند نمیکنیم چرا اصلاً این مالیات را
الغاء نمیکنیم ؟ اگر چنانچه آقایان توجه فرمایند واز
مخارج غیر لازمی که در این مملکت میشود حذف کنند
و بجای آن این مالیات را الغاء کنند فایده اش برای
ما خیلی بیشتر خواهد بود . همه روزه می آیند بدون
اینکه به این کار مطالعه کنند بک تغییراتی میدهند بسم
بمیزی و باز بک اشکالی تولید میشود همین اصلاحی که
در قانون به نفع بک قسمت مملکت است که شمال و
شمال غرب است و بضرر بک قسمت عمده از مملکت
است که جنوب باشد و بنده حاضر این را ثابت کنم
چیزیکه هست کمیسیون قوانین مالیه عم نخواستند اند
که دو نفر از نمایندگان جنوب را حاضر کنند و
از آنها پرسند در آنچه ها چطور عمل میکنند که آنها هم اظهار عقیده
کنند آنوقت فردا بنده و آقای آقا سید یعقوب و دیگران همه
به تبر ملامت موکلین خود مان گرفتاریم که بک همچو
قانونی از مجلس گذشت و ما متوجه نشدیم آخر مملکت
بک جهات اربعه دارد بنده ثابت میکنم که این قانون
به نفع شمال و بضرر جنوب است .

و الان دلائل خود را ذکر میکنم هیچ چاره جز

غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان اسدی : ذوالقدر - دکتر طاهری - اعظمی
قوام شبرازی - مومنی - مقدم - عباس میرزا -
اجتصاد زاده کنج بخش - حاج حسن آقا ملک -
محمد ولی میرزا - فرشی - عدل - جوانشیر - میرزا
حسن خان و ترقی - حاج غلامحسین ملک - محمود رضا
تقی زاده -

در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان : مرتضی قلی خان بیات - ملک مدنی - افخمی
در آمده کان بی اجازه جلسه قبل

آقای حج میرزا حبیب الله امین
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم در صورت جلسه عرض
دارم و هم بعد از فرمایش آقای دکتر مصدق
رئیس - در صورت مجلس اعتراضی دارید بفرمایند
بعد نائماً باید اجازه بگیرد

آقا سید یعقوب - راجع به قرار داد نجاتی بنده بک
تذکری دارم وزیر مالیه هم جواب گفتند برای توضیح
بایستی این تذکر در صورت مجلس نوشته شده باشد
چون نبود میخواستم تذکر بدم اصلاح بشود

رئیس - اصلاح میشود . صورت مجلس ابرادی ندارد
(گفته شد خبر)

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای جمشیدی نظر بعدم غیبت از اول
دوره تا تاریخ حرکت برای سرکشی امورات شخصی تقاضای
دو ماه مرخصی کرده اند کمیسیون اظهارات ایشان را
تصدیق با مرخصی دو ماهه ایشان از تاریخ حرکت موافق

اینکه ما این مالیات را لغو کنیم و در مقابلش بک
مالیات دیگری وضع کنیم . نداریم بنده می بینم غالب
و کلاً با این طرح موافقت و دولت هم موافق است اما
عزت چیست ؟ برای بنده مجهول است . اغلب اشخاص
متمول هستند که معامله میکنند و صدی چهارده صدی
پانزده تا صدی بیست و چهار برخلاف قانون فرع میگیرند
و از این معاملات عمده که میکنند و فایده میبرند بک
شاهی بدولت میدهند . برای آنها هیچ گفتگویی نیست
اما آنوقت تا آمد و بیست هزار تومان داد و بک ده
خرید فوری با انواع و اقسام و به صیغه های مختلف
ازش مالیات میگیرند این همه کپانیها سرمایه دارها که
به انواع و اقسام منافع عمده میبرند بکدینار بدولت میدهند
بعلاوه از معارف مملکت و از تمام مؤسسات مملکت
استفاده میکنند و بکشاهی بهیچ صیغه مالیات میدهند
آنوقت آن رعیت بیچاره و آن طبقه زحمت کش به انواع
و اقسام ازش مالیات گرفته میشود . بالاخره این مخالف
حکومت شوروی است بنده عقیده ام این است که باید
مجلس و دولت با بک ترتیب خاص بک مالیاتی برای
اشخاص متمول با بضاعت وضع کنند و طبقه زحمت کش
بدیخت را الی الابد معاف فرمایند امیدواریم که اخلاف
ما بیایند و بکنند آنچه که ما انتظار داریم . اما این
قانون و اصلاحی که در آن شده است معایب بزرگ
دارد که من جمله فرقی که مابین شمال و جنوب
گذارد شده است بنده اطلاع دارم و از جریان معاملات
بین رعیت و مالک مستحضرم در شمال تمام زحمت بارعیت
است بذر را رعیت میدهد ، کسار را رعیت میدهد ،
کود را رعیت میدهد ، مالک فقط آب و زهین را میدهد
و بک حقی استفاده میکند ولی در جنوب این طور
نیست تمام مخارج یا مالک است تخم را مالک میدهد ،
کاو را مالک میدهد ، آب و زهین را مالک میدهد ،
آنوقت با این همه خسران و این همه ضرر و بدیختی باید
صدی نه عوائد خود را بدولت بدهد . در دهات همدان
و آذربایجان و عراق و در قسمتهای دیگر آنطوریکه بنده

اطلاع دارم این قانون بک قانون باصرفه ایست اما در قسمت جنوب
مخصوصاً بزد و کرمان و شیراز شاید اصفهان هم همینطور
باشد .

شیروانی - اصفهان هم همینطور است
روحی - اصفهان هم همینطور است و این قانون
بضرر بک مشت مالکین تمام خواهد شد و بالاخره آن
توجهی که نسبت به عمران و آبادی شمال شده بجنوب
اشده بنده از کرمان اطلاع دارم بک نفر مالک نیست
که سه ملک شش دانگی مثل شمال و غرب ایران داشته
باشد آنوقت این مالک بد بخت باید آب بدهد کار بدهد
زمین بدهد . کود بدهد . بذر هم بدهد آنوقت صدی سه
هم از عایداتش کسر شود این بضرر اوست من مخصوصاً
استدعا میکنم از آقای مخبر محترم که توجه فرمایند
و این قانون را پس بگیرند و ببرد در کمیسیون وکلای
جنوب را هم بخوانند و نظریات آنها را هم جلب کنند
که بک قانونی از مجلس بگذرد که فردا صدای مردم
بلند نشود این است عقیده بنده

فهمی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه بنده مقدمه
باید بک مطلبی را خدمت آقایان تذکر بدم و آن اصل
سی ام قانون اساسی است نماینده مجلس تنها نماینده
حوزه انتخابیه خودش نیست بلکه نماینده تمام نقاط
مملکت است و البته تمام اهالی مملکت مساوی هستند
و وقتی هم که قانون وضع میشود البته باید بحال همه
علی السویه باشد این قانونیکه برای ممیزی وضع شده است
یکلی مخالف این نظر است . . .

کازرونی - یعنی مخالف قانون اساسی است ؟
فهمی - اجازه بفرمایند بنده عرایضم را عرض کنم
بلی همینطور که میفرمایند شاید برای یکی دو نقطه
مملکت مفید باشد ولی در عمل ملاحظه شد که بک
قسمت عمده مملکت یعنی قسمت حاصل خیز تر ایران
ضرر فوق العاده از این قانون میبرد یعنی از استراباد و
مازندران و تنکابن و کیلانی تا حدود غرب که قسمت
حاصلخیز تر ایران است همه از این قانون فعلی متضرر

میشوند. ملاحظه فرمائید در قسمت مازندران يك زمين برنج کاری را فرضاً بیست و پنج تومان میدهند با بیست تومان میدهند مالك. چون رعیت تمام زحمات رامیکشد و دو بیست پنجاه یا سیصد تومان از آنجا بر میدارد صدی سه و نیم عایدات کل آنجا که بازده تومان دوازده تومان می شود باید از سهم مالك داده شود تصدیق فرمائید این مبلغ نسبت به سهم مالك صدی پنجاه میشود حالا اگر در جنوب بواسطه این قانونیکه اصلاح شده مالکین يك منفعت بیشتری ببرند البته نمایندگان نباید راضی بشوند که يك قسمت عمده مملکت نصف عایدی خودشان را بدولت بدهند . . .

بعضی از نمایندگان - آرا اصلاح کنید .

فهیمی - اجازه فرمائید این قسمتها را ما ملاحظه کردیم و نظریات نمایندگان جنوب هم ملاحظه شده است در آنجا بجز بعضی قسمتها هست که مالك باید يك چیزی هم علاوه بر آن چیزی که میگیرد رویش بگذارد تا بتواند آن صدی سه و نیم را بدهد. در باغات مخصوصاً جریبی پنج هزار يك تومان مالك میدهند در صورتیکه صدی سه و نیم از کل عایدات همانطور که میفرمائید بکفدری فایده دارد برای مالکین بجهت اینکه بعضی جاها تقسیماتشان صدی شصت و صدی هفتاد است بین رعیت مالك و اگر صدی سه و نیم را از کل بگیریم البته نسبت بصدی نه یا صدی هشت از عایدات مالك کمتر است. باید کاری کرد که این مسئله را اصلاح کرد اما نباید مقید بود که حتماً برای منفعتی که آنها میبرند يك جمعیت زیادی را در ایران متضرر کرد. در این مجلس دوسه قانون وضع شده است که در حقیقت اعتبارات ملکی را زیاد کرده است یکی قانون ثبت اسناد است که ملکیت اشخاص را ثابت میکند. یکی قانون مرور زمان است که میداند بعد از مدتی دعاوی بر علیه املاك نخواهد شد یکی هم قانون خالصجات انتقالی است که مالکین آنها از شر آن راحت شدند. يك مرحله دیگر مانده و آن مسئله مالیات است. الان قیمت املاك شمال کمتر از آن مقدار است که سابق بوده بجهت اینکه مالیات را

اگر از روی صدی و سه نیم از کل عایدات حساب کنیم چیز دیگر برای مالك باقی نمی ماند که از روی عایدی قیمت ملك را معین کنند و اینکه فرمودند خوب بود نمایندگان جنوب را هم در کمیسیون میخواستند عرض مینماید ما نمایندگان جنوب را هم خوانسته ایم و با آنها هم مذاکره کرده ایم و چنانچه عرض کردم باید رعایت این مسئله را کرده همینطور که يك تبصره در ماده اول ذکر شده که مالکین متصدی رعیتی هستند تقسیماتش را باید در نظر گرفت و از روی سهم اربابی مالیات آرا معین کرد ممکن است شرایط دیگری هم به آن علاوه کرد که اگر در بعضی جاها مخارج رعیتی از قبیل بذکاو یا مالك است آنها را موضوع کنیم ولی نمیشود گفت که مالیات تمام املاك را بهمان حالی که هستند نگاه بداریم. فرمودند که چرا بر عایدات اشخاص مالیات نمی بندند. مالیات بر عایدات خیلی خوب است اما يك کار مشکلی است و نمیشود که بکنفر یا دو نفر را در نظر گرفت و آنوقت تصور کرد که در تمام مملکت میشود با مردم اینطور معامله کرد عایدات اشخاص را کسی نتوانسته است صورت بردارد زیرا يك اصول جاری برای معاملات و تجارت در ایران نیست که بتوانند عایدات آنها را معین کنند و الا بنده هم میدانم يك اشخاصی هستند که در تجارت این مملکت مبتکرند يك منفعت مهمی هم میبرند و بکدبنار بدولت میدهند البته بایستی يك قانونی وضع کرد و يك مالیاتی در نظر گرفت از این گذشته لایحه را که ابتدا دولت برای الغاء مالیات مجزی پیشنهاد کرده بود مستلزم این بود که يك مالیات دیگری بجای او تصویب شود بعضی انحصارات بعضی عوائد دیگری بجای او برقرار شود يك فقره اش را کمیسیون قوانین مالیه راپرت داد ولی متأسفانه مسکوت مانده بنابراین نمیشود يك مبلغ کلی عایدات دولت را ارزش صرف نظر کرد بدون اینکه جبران او از محل دیگری شده باشد. و اینهم که آقای روحی فرمودند که سه ملیون عایدی دارد و پنج کرور خرج اینطور نیست عایدات املاك اربابی تقریباً پنج ملیون یا شش ملیون است. اودجه وزارت

مالیه اگر سه ملیون است سه ملیون منحصر به این مخارج نیست. يك ملیون و کسری بودجه كمرک است که مربوط به این نیست. و خارج از این است تقریباً يك ملیون دیگر برای اداره تحدید و دوائر مرکزی است وقتی حساب کنید برای این مالیات شاید قریب يك ملیون بیشتر باقی نماند . . .

مدرس - اشتباه میکنید دو ملیون است .

مخبر - يك ملیون بیشتر خرج نمیشود. بنده عرض میکنم این هم زیاد است یعنی صد بیست برای مخارج این کار زیاد است. علت چیست. ؟ علت نبودن يك اصول ثابت و معینی است و همین اشکالاتیکه در نقاط مختلفه مملکت از حیث اجرای قانون پیش می آید. اگر ما يك قانونی وضع کنیم و مجزی را بموقع اجرا گذاریم که تا ده سال لااقل مالکین مطمئن باشند که دیگر متعرض آنها نخواهند شد بالاخره هم عایدات زیاد تر خواهد شد و هم مخارج کم میشود و مردم هم راحت تر خواهند شد ولی با این وضعی که حالا هست البته هم مخارج زیاد است و هم زحمت و هم عایدات دولت کسر میآید.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً بنده يك عقیده دارم که آن را عرض میکنم و آن اینست در مملکتی که مثل ایران باشد ما بایستی عایدات خودمان را از منابع طبیعی که داریم تهیه کنیم و صرف نظر از این مالیات ها و تخمیهات بپردازیم بکنیم چیز گرفتن از مردم در واقع یک نوع تکدی است و امیدوارم این تکدی از مملکت ایران رفع شود از این نظر است که بنده مخالفم و امیدوارم که آقایان يك فکری بکنند که ما بتوانیم منابع طبیعی خودمان را استخراج کنیم و کار خانجرات وارد کنیم حالا از این گذشته ما میبینیم نوشته است املاکی که تحت قاپو شده اند بایستی مالیات بدهند. بنده عرضم این است که بعضی املاک هستند که ممکن نیست بروند در يك نقطه منزل کنند بجهت اینکه مال دارند حشم دارند هر روز باید در

يك نقطه بیلای یا قشلاق مال و حشم خود را نگاهداری کنند و همینطور هم عادت کرده اند پس اینهایی که در بیابانها سرگردان هستند بایستی بیشتر مورد توجه و زحم واقع شوند نه اینکه از اشخاصی که خانه دارند زندگانی دارند نگیرند اما از اشخاصیکه در بیابانها سرگردانند چون خانه ندارند مالیات بگیرند! حالا بعضی عرایض دیگر دارم که در مواد عرض میکنم

رئیس - آقای کازرونی

یکسفر از نمایندگان - ایشان مخالفند کازرونی - بنده موافقم قبلاً بنده بایستی در اینجا جواب آقای فیروز آبادی و يك قسمت جواب آقای روحی را بدهم يك قسمت از این قانون که فوق العاده خوب و مهم است تحت قاپو شدن ابدیات است که بوسیله وضع این قانون ممکن است ما باین مطلب و نتیجه نائل شویم این يك قسمت قسمت دیگر فرمودند که این مالیات بایستی گرفته شود بنده عرض میکنم مقصود جنابعالی هم تقریباً حاصل است نهایت این است که این مالیاتی که میگیرند گمان میکنم تکافوء کند با مخارجی که برای وصولش لازم خواهد داشت در این صورت این مالیات فقط برای نان خوردن يك عده معدودی است برای مردم و مملکت مفید نیست از این جهت آسوده باشید چیزی عاید دولت نمیشود؟ عرض میکنم قدری دقیق شو بدان برای مملکت برای نان دانی يك عده معدودی است بودجه اش اگر ضرری نکند نفعی هم ندارد. بالاخره بعد از آنکه جمع و خرجش را با هم مطابق کنیم توافق پیدا نخواهد کرد و اگر این مالیات را موقوف میکردیم و جان دولت بد بخت و مردم بیچاره را از شرش نجات میدادیم برای مملکت اصلاح بود و برای دولت هم نافع بود. اما در قسمت خصوصیش. عرض میکنم از فرمایشات مخبر محترم که بنده صمیمانه خدمتشان ارادت دارم همچو معلوم شد که باید منافع و مصالح یکقسمت از مملکت را در نظر گرفت! یعنی يك قسمت از مملکت را حالیه و یکقسمت دیگرش را بعداً اینکه نقدی و عاجل است برای یکقسمت

آن قسمتی که وعده است برای آتیه . مگر شما آتیه قائل نیستید ؟ مگر دنیا منحصر بامروز است ؟ آتیه هم هست . عجلتاً جنوبی زیاد تر میدهد صدی چهارم می دهد . صدی پنجم میدهد اما شمالی صدی یک میدهد این جا را قبول کنید آخر خدای آنها هم کرم است . بعلاوه کدام زحمت و مشقت است که شمالی و جنوبی را با هم مساوی کرده است ؟ تمام بدبختی و روزگار سیاهی برای جنوبی بوده است در اینجا هم منظور باشد . عجلتاً ما این قانون را برای تأمین منافع یکمده از ملائین میگذرانیم . جنوبی یعنی چه ؟ هوای جنوب بد است مردم جنوب هم زندگانیشان زشت است و لشان کنید

رئیس - آقای کازرونی دوجا اسمتان ثبت است بکجا موافقت بکجا مخالف

کازرونی - بنده موافق بودم جواب آقای فیروزآبادی را دادم

رئیس - پیشنهاد آقای روحی (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که این قانون از دستور خارج شده و پس از اصلاح اساسی به مجلس عرضه شود .

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم همانطور که گفته شد تمام آقایان وکیل تمام مردم هستند و انصاف نیست که ما بنشینیم در اینجا و يك قانونی بنویسیم که به نفع شمال و بضرر جنوب مملکت باشد . ماهمه با این قانون موافقت داریم ولی این را ببردند کیسیون قوانین مالیه بنده را هم احضار کنند استدلالهم را خدمتشان عرض کنم اگر متقاعد شدند ماده اول را اصلاح کنند و با فاصله بکروز مجدداً میآید در مجلس و تمام میشود و بان عجله خوب نیست این قانون را گذرانند که برفع دستم مخصوص و بضرر دستم دیگر باشد . بنا بر این بهتر این است آقایان هم با ما موافقت کنند که این قانون از دستور خارج شود نادر خارج رسیدگی کنیم . استدلالهمان را بگوئیم و يك

قانونی بگذرد که تبعیض نشده باشد . از آنطرف هم نمیشود يك قانونی برای شمال و یکی برای جنوب علیحده وضع کرد و اینهم خوش آیند نیست برای حکومت شوروی استدعا میکنم آقایان رأی بدهند این برود به کمیسیون و در آنجا اصلاحاتی بشود بعد بیاید بمجلس البته ما هم موافق هستیم و رأی میدهیم .

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم بنده میخواهم قدری مفصلتر خرف بزنم . اول آن منطق آقای روحی را تردید کنم . نگرانی جنابعالی از این حیث که اینقانون چه وضعیتی خواهد داشت مورد ندارد . برای اینکه اینقانون در شوروی است . خروج از دستور در قانون دو شوروی معنی ندارد . در شور اول بایستی عقاید و نظریات فهم شود تا کمیسیون قادر باشد که آن قانون را بوقتی که نمایل مجلس است اصلاح کند . پس بنا بر این حالا که میفرمائید این قانون از مجلس شورای ملی برود بیرون باز با همان حال جودتش بر میگردد . زیرا کسی روی آن اظهار نظر نکرده و نظریات معلوم نشده و کمیسیون هم باز تعقیب میکند همان فکر اول را بنا بر این در منطق خودتان نقص است و بهتر این است که خود آقا موافقت بفرمائید که شور اول در این جا بشود چیزی را که بنده آمدم در این جا مفصل عرض کنم این است که این قیافه شمال و جنوب خیلی بد است بنده یاد آوری میکنم آن حرفی را که آقای فومی اظهار کردند يك نفر وکیل که مبعوث از طرف ملت است نباید تجزیه کند ملت را . بالاخره باید معنای اعم را بگیرد و نرود جلو برفع و ضرر هر کس شد بشود . بعلاوه این را جنابعالی فراموش نفرمائید تمام قوانین دنیا گاهی برای يك اقلیتی بضرر تمام میشود . شما که نمیدانید . بنده عرض میکنم این مسئله برای شمال در حکم اعدام است . يك مثال کوچک میزنم (حضرت آقای مدرس نوجه بفرمائید)

مدرس - بنده که تمام را گوش میدهم دادگر - يك صورتی فرستاده اند از بازفرش (بنده

این مسئله را عرض می کنم بعد آقای کازرونی هر طوری صلاح میدانید قضاوت و اصلاح کنید) هزار و صد تومان عوائد يك مالکی است خورده مالك هم هست کاسب هم هست ، چرا برای اینکه از گندم و پنبه و شلتوك و ارزن و جو و کلبه روئیدانی ها مالکین چیزی نمیدهند و منحصرند از شالی میگیرند از شالی هم يك قسمت قلیلی میگیرند و هر چه عابدی او است حاضر است عشر یا ربعش را از بابت این مالیات بدهد حالا این جا شما میخواهید صدی سه و نیم از کل عایدات بگیرد حساب صحیح کرده باید پنجهزار تومان بدهد برای تمام آن چیز هایی که متروک مانده و نمیگیرد و حالا صدی سه و نیم مجموع عوائد و مجموع روئیدنها را حساب کرده ایم و این شخص باید پنجهزار تومان بدهد یعنی هزار تومان عوائد را باید چهار هزار تومان هم نگذارد رویش و بدوالت بدهد باید برای این کار چاره اندیشی کرد و فکری کرد که برای دولت و مردم ممکن الاجرا باشد و يك مسئله دیگری هست که بنده نوجهشان را بان جلب میکنم و آن مسئله مطالعه و تقییش در عوائد صدی سه و نیم است بنده عرض میکنم خود جنابعالی که از حماة جنرب هستید بنده هم خودم را وکیل جنوب میدانم از قول موکلین شما عرض میکنم که آنها راضی هستند که ضعف بدهند و نامورین دخالت در زندگانیشان نکنند . شما آن مسئله که شکایت فلاح را تولید کرده است باید از پیش بردارید و آن رفیق نامورین مالیه و مطالعه در عوائد است . این را بنده از طرف موکلین خودم میگویم . ممکن است مالیات را ضعف قرار بدهند . ما چك صندوق میدهیم بروند از بانك بگیرند ولی دخالت در زندگان آنها نکنند بنا بر این آقا بدانند که این مسئله برای آنها مهیب و مشکل است برای شما اگر کم نفع است برای جماعتی دیگر اعدام است . اگر این را حضرتعالی با قیافه يك وکیل عمومی مطالعه بفرمائید تصدیق بفرمائید که خارج شدن این قانون از دستور برای مملکت نافع نیست

و بهتر این است خود آقا هم موافقت بفرمائید که در این جا مذاکره شود و در شور دوم هر اصلاحی میخواهید بفرمائید .

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای روحی را تصویب میکنند قیام فرمائید

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای دهستانی دهستانی - اولاً بنده از آقایان خواهش میکنم که در قانون مجزی وارد در عملیات مالك و رعیت نشوند که رعیت و مالك چطور با هم معامله میکنند . برای اینکه تقسیمانی که ما بین مالك و رعیت است يك تقسیمات مرضی الطرفین است . یعنی هر رعیتی وقتی وارد ملک شد و تقسیمات آنجا را فهمید بتقاضای خودش وارد زراعت میشود . پس در قانون مجزی این قسمت بیچاره رعیت بیچاره مالك را کنار بگذارید . اگر این داد را بخواهید بزنید بنده باید بیشتر این داد را بزنم . اما در قسمت جنوب و شمال همینطور که آقایان فرمودند گمان میکنم در قانون مجزی نباید گفت جنوب کجا است و شمال کجا . زیرا نمایندگان محترم عموماً هم وکیل جنوبند و هم وکیل شمال . یعنی خوب نیست گفته شود که من وکیل جنوب هستم . . .

روحی - کی گفت ؟ عمل اینطور است

دهستانی - عرض کنم در دوره پنجم يك عمری تلف شد از برای قانون مجزی و تقریباً دو سال است که این قانون عمل میشود و بالاخره عیویات این کار فهمیده شده . امروز نمایندگان کات محترم يك اصلاحی بنظرشان رسیده پیشنهاد به مجلس کرده اند و عیویاتی که در قانون مجزی است آنهاهمین لایحه رفع نخواهد شد و از آقایان نمناهم میکنم که پیشنهاد خروج از دستور بفرمائید . نوقصی که در دوره پنجم حاصل شد از برای قانون مجزی این بود که دکتر میلر پیواز نقطه نظر اینکه عایدات و تقسیمات صحیحی این مملکت نداشت اظهار میکرد که مالیات این مملکت باید متحد الشكل باشد و همه وقت اعضاء کمیسیون

پیشنهاد کردند که تقسیمات این مملکت متحد الشکل نیست که ما بر کل عایدات مالیاتی وضع کنیم. این بود که بر حسب پیشنهاد ایشان این قانون موزنی تصویب شد و در نتیجه معلوم شد که يك زحمت فوق العاده ما بین رعیت و مالک تولید کرد. از جمله زحمانی که ما بین مالک و رعیت هست این است. در یک قسمت از مملکت مالک نصف عمل میکنند. این مالک صدی سه و نیم مالیات میدهد. در نقطه دیگر از صد خروار ده خروار میبرد. از آنهم میخواهند صد سه و نیم بگیرند و این يك تبعیض و بی اعتدالی حاصل میکند. در این اصلاحی که شده نوشته شده از عایدات مطلق مالکانه صدی نه گرفته شود. حالا آقایان این را زیاد میدانند صدی هفت میکنند. کم میدانند اظهار کنند صدی ده باشد. پس مخالفت با این قانون که امروز يك مشت مردم را در مضیقه دارد مورد ندارد. حالا اسم مخصوص نمیرم. اطلاعات خودم را عرض می کنم در شهریار از بیست تومان عوائد مالک دوازده قران و دهشاهی میگیرد از او هم صدی سه و نیم میگیرند وقتی که خوب حساب کنیم می بینیم که مالک از آن چیزی که بابت جریب باغات میگیرد باید يك چیزی هم رویش بگذارد و تصدیق بفرمائید که این وضعیت وضعیت کوارائی نیست در اینصورت وقتی مالک دید این تحمیل را باید بکشد به رعیت اظهار میکند نظر باینکه نوشته شده از کل عایدات تو هم بیا از سهم این کار مالیات بده و تصدیق میفرمائید که وقتی باید برای سهم کار مالیات قائل شویم که از آن عمل روزی سه چهار قرانی هم مالیات بگیریم. پس در این قانون نظر مجلس هیچوقت این نبوده که از سهم کار مالیات بگیرد اصلاحی که در این قانون شده است این است که بالصراحه مینویسد از عایدات مطلق مالکانه. واقعاً قضایا و کشمکش که ما بین رعیت و مالک است رفع میشود و از روی صحت و عوائد مالکانه مالک مالیات میدهد بعضی از آقایان فرمایش میکنند که این رعیت بیچاره را نچاپیم و ازش

چیزی بگیریم بنده کمان میزنم که این حرف ها خوب نیست آقایان اگر این نظر را دارند پس يك منجم ۴ بدانی از برای مملکت حاصل کنند برای این که خیلی شرم آور است که گفته شود بودجه مملکت ما بیست و پنج میلیون یا سی میلیون است بودجه مملکت ما باید دویست میلیون باشد آقای فیروز آبادی میفرمایند که ایلات جا ندارند بنشینند چیزی که ما در این مملکت زیاد داریم آب است و خاک بفرمائید که ما مشغول زراعت شویم آنها میل ندارند. آقا کدام رعیتی است که از بنده بیشتر حشم داشته باشد؟ بنده شاید بنصرت کوسفند داشته باشم. کدام رعیتی است که در فیروز آباد بیشتر از جناب عالی حشم دارد؟ هم عوائد بدولت میدهد هم مال و حشمتان زندگی میکنند. اهل بغدادی ساعی که از ساوه حرکت میکنند از برای قسمت زنجان يك مشت زراعتی را که مردم هزار خون دل تهیه کردند تمام را کوسفند میچرانند و خسارت وارد می آورند. آقایان باید وقت صرف کنند و کاری کنند که ایلات تخت قاپو شوند یعنی مشغول زراعت بشوند که مشغول بعضی حرکات زشت و خسارت رساندن به مملکت نشوند خلاصه بنده از آقایان استدعا میکنم که لطفی کنید که این مسئله قانون ممیزی یا این اصلاحی که شده است تصویب شود که رفع زحمت از جمعی مردم شده باشد.

ریس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده کاملاً توجه داشتم باین مخالفت و موافقت ها ولی بالاخره درد مطلب را بیان نکردند. يك فرمایشان آقای دادگر اظهار کردند يك بیاناتی هم آقای مخبر فرمودند. باید حقیقه مجلس شورای ملی قدم اساسی بردارد که بگویند مجلس کار کرده است. يك ترتیب مالیاتی سالهای سال در مملکت ما جاری بوده است. ما میخواهیم بگوئیم این ترتیب غلط است آنوقت شما میگوئید مداخله میشود در حق مالک و رعیت آقا اینها خارج از وظیفه ما است وظیفه ما اصلاح کردن مالیات است مالیات را باید از چه و از کی

گرفت؟ باید از يك چیزی گرفت که نقصان بآن چیز وارد نمی آید. حالا شرح میدهم. آقایان علمند توجه بفرمایند. جنس عوائد زمین از پنج عامل حاضر میشود آب و زمین و نخم و کاه و کار. از کار و نخم نباید مالیات گرفت. چرا؟ برای اینکه آب و زمین تحمیل نمیرود و آن مالیات بر عوائد است. در واقع آن چیزی که عقلا و دانایان قدم برداشته اند از برای اصول مالیات این است که مالیات از چیزی گرفته شود که به تحمیل نرود و آن عوائدی است که هر سال مرتب میشود. بکنفر از ملائین میگفت زمین همیشه آستان است. این محصول را که ما برداشتیم باز آستان است برای محصول دیگر. باید مجلس شورای ملی کاری کند که جنوب و شمال و غرب و شرق تمام در تحت این معنی در آید که وضع مالیات بر چیزی باشد که آن چیز تحمیل نرود و آن کدام است آب است و زمین. آب و زمین در دست کبست؟ دست هر کس هست باید مالیات بدهد. حالا این جا صد سه صد ده صد پنج هر کدام را ملاحظه کنید این فایده ندارد. بیایید اصل وضع مالیات را اصلاح کنید و بر آب و زمین قرار بدهید. این قانون و قانونی که در دوره پنجم نوشته شد هیچیک از این دنیا قانون ملاحظه این نکته را نکرد. اگر کرده بود این قانون باین محظورات بر نمیخورد. در این جا بنده خودم در فشار کاغذ ملائین آذربایجان هستم. ملائین آذربایجان يك هیئت نه نفری دارند شاید همه آقایان هم کاغذ نوشته باشند هر هفته کاغذ مینویسند که ای داد ای بیداد مملکت از دست میرود. یعنی ده تومان دخل ما کمتر میشود. از آنطرف داد و بیداد و فریاد ملائین جنوب بلند است. این برای این است که شما به اصل موضوع بر نخورده اید. اصل موضوع را شما در این جا وارد شوید. بنده عرض میکنم دولت باید استفاده کند از يك محلی که مالیات بر آن محل نفاق گرفت آن محل تحمیل نرود. معنی ندارد که از رعیت و بزرگ مالیات بگیریم. باین معنی که از کاری که میکنند

مالیات بگیریم. هیچ نمیشود که ما بوالیم از کار یا از نخم که بکلی از بین بیرون مالیات بگیریم. پس خواست بیاییم وضع مالیات را بر آب و زمین بکنیم آنوقت در تمام مملکت علی السویه هر قراری که میخواهید بدهید وقتی که اصل حکومت شوروی کاملاً واقع شده آذربایجانی شکایت میکنند و نه ماها که نماینده جنوب هستیم شکایت میکنیم. در اینجا رای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم وضع ملائین و رعیت در قسمت جنوب يك شکل است. در طرف آذربایجان و شمال غربی يك ترتیب دیگر. در طرف ما این طور است که آب و زمین را مالک میدهد کاه و نخم و کار با رعیت است. آن وقت ترتیب ما بین مالک با رعیت این است که در بعضی جاها يك قسمت مالک است دو قسمت رعیت چرا؟ چون کاه و کار و نخم را رعیت میدهد آنوقت قیمت میکنند دو قسمت را رعیت میبرد يك قسمت را مالک این قسمت را که مالک ببرد مال آب و زمین است در این قسمت گفته شد صد سه بدهند. در آذربایجان این جور نیست. در آنجا نخم و کاه را ارباب میدهد آب و زمین را هم ارباب میدهد آنوقت اینطور که ما قرار میدهیم نفع برای ارباب است چرا برای اینکه اگر ده يك هم آمدیم گرفتیم در این ده يك باز نفع برای او است. در صورتیکه در آنجا آمده ایم مالیات را بر آب و زمین و کاه و نخم قرار دادیم. (آقای وزیر مالیه. آقای مخبر توجه کنید) حقیقه يك کمیسیون تشکیل بدهید و يك اصول و اطلاعاتی در اینکار تأسیس کنیم و در نظر بگیریم که مالیات را از آب و زمین بگیریم و کاه و کار و بذر را بکلی خارج کنیم. يك مالیات واحد صد و صد سه در تمام مملکت باشد هیچ اشکالی وارد نمی آید و الا این را شما بفرمائید بنده هم قبول میکنم در طرف مازندران و آذربایجان و گیلان اجرا میشود اما در فارس و کرمان اجرا نمیشود. چرا؟ برای اینکه ضرر صرف است برای رعیت و رعیت از بین میرود. نابود میشود. ما باید يك کاری کنیم که در تمام مملکت

نظر ما علی السویه و بکسان باشد چطور میتوانیم بیاییم يك قانونی بگذرانیم که بنفع ملائکین يك طرف و بضرر ملائکین جای دیگر است. دولت هم نباید نظر دیگری داشته باشد. اما اگر وضع مالیات بر آب و زمین باشد دولت هم حق دارد چرا که امنیت میدهد به آب و زمین و چون امنیت میدهد باید مالیات بگیرد. ولی نسبت بکاو و نخم نمیشود زیرا از بین میبرد. این است که نه در این قانون و نه در قانون سابق این رعایت نشده است و باین ترتیب هم عملی هم نمیشود. دو مرتبه هم بگذرد باز زحمت دارد. غیر از گرفتن يك اصل مساوی در تمام مملکت چاره دیگر ندارد.

رئیس - آقای دادگر

مازندران را بهتر میدانم زیرا استشهاد در محل خودم بیشتر است در مازندران عوائد يك مالك از يك مالکی هزار تومان است اگر مالیات صد سه و نیم از تمام عوائد بگیرند و بر مالك تحمیل کنند میشود چهار هزار تومان میفرمائید يك وجه حل بنظر میرسد ان این است که بنشینند مابین مالك و رعیت قرار بگذارند تباهی کنند که این زبان جدیدی که عاید مالك میشود رعیت را هم بهره بدهند هر کسی که به اوضاع مملکت علاقه مند است این کله را تفوه نمیکند هر کس که عادات و رسوم رعیت آشنا است این را تصدیق میکنند بنا بر این ماحصل از این اقدام این میشود بنده در باب شمال استدلال میکنم این استدلال بنده را توجه کنید اگر این حرف بنده متعهد است قبول کنید و الا تحقیق بفرمائید. دولت عایدات املاکشان مال رعیت است و مالك مثل يك مباشری است اما مالیات را باید مالك بدهد و این عملی نیست این مسئله منافی است با آن نظری که در مجلس هست برای رفید حال مردم. يك کله هم اینجا گفته میشود این کله را هم درش بحث کنیم. بنده به معدودی کار ندارم ولی بطور کلی میگویم آقا مردم کثیرالعائله هستند. میدانم چطور شده يك خلق خرومی در ما هست. بالاخره بکنفر کسیکه دو هزار تومان عایدات دارد بیست نفر عائله هم دارد ولی تنها آن شخص مباشر را هدف قرار میدهند این پول به بیست سهم تقسیم میشود. مالکین کل هم در واقع و نفس الامر خورده مالك هستند. بالاخره شما با آن ارد ها که هتل و منزل دارند و عوائد املاك خودشان را از يك بانکی به بانک دیگر استقلال میدهند تطبیق نکنید اینها شوخی است؟ کیست آن مالك عظیم الشان که سه چهار تا ملك شش دنك دارد؟ این بیچاره بالاخره يك عوائد مختصری دارد و با يك وضعیت کثیفی خودش را اداره می کند.

این نظر را تعدیل بفرمایند تا قدری زديك شویم. عرض کردم و چیزی که مردم از این مجلس شورای ملی میخواهند

و نگاه علاقه را هم دارند این است که مأمورین دولتی بطوری انتخاب شوند که مردم از مزاحمت آنها بر کنار باشد. هر سال بکنفر مأمور مالیات بمانند آنها رود و عوائد سال و عایدات محل آنها را احتساب کنند و آنها را بزحمت ببندازند. حتی ما در خالصجات انتقالی خیال کردیم بمولکین خود مان کمک کردیم ولی بعضیها بما می نویسند که آقا ما راحت بودیم حالا آمده اند در زندگانی ما مداخله میکنند ما حاضر بودیم که بکفتری بیشتر بدهیم که به این زحمت ثانوی که تحقیق و تفقیص است بر نخوریم. بعلاوه برای مراجعه کردن و اینکه صد سه و نیم عایدات يك مالکی چقدر است آقا میدانند که چه بایی باز میشود و چه اشکالاتی تولید میشود. بنا بر این خود بنده خیال میکنم که بکنفر آدم رضا میدهد که يك چیزی زیاد تر بدهد و جان خودش را از این مشقت راحت کند. بعلاوه این مسئله يك طبقه را در شمال و شمال غربی از بین می برد. برای اینکه اینها باید ضعف عایداتشان را مالیات بدهند این مسئله شوخی نیست. این را بنده اختراع نکرده ام حالا آمدید فرمودید جنوب متضرر می شود ولی تعمیراتی که در این قسمت شد بنده نفهمیدم خواهش میکنم یکی از وکلای جنوب توضیح بدهند که چطور جنوب متضرر میشود. از نفعش میکاھد؟ ما میگوئیم آن طبقه از بین میروند. شما میفرمائید يك کسی در نفعش نقص پیدا میشود. شما نمیتوانید برای حمایت از منافع بعضی يك طبقه را محو کنید. بالاخره بنده تکرار میکنم که این مالیات صد سه و نیم برای مازندران که ما نماینده او هستیم غیر قابل پرداخت است بعلاوه رجوع زندگانی رعایا در این مملکت زحمت تولید میکند. شما اینها را در نظر بگیرید آنوقت کله جنوب و شمال را صرف نظر بفرمائید و يك حکم کلی و عمومی در این کار اجرا کنید

رئیس - آقای شیروانی

آقایان تصدیق بفرمایند که بنده موضوع ندارد داخل جنوب و شمال بشوم. فعلا تمام مملکت از

هر نقطه نظری حساب کنیم پیش بنده و همه آقایان مساوی است. در اینجا اگر رفقاصحیحی از جنوب کردند برای اینست که ضرر این قانون در جنوب محسوس تر است و الا بنده در اینجا خدمت آقای دادگر هم عرض کردم که شما لیا هم در ضرر این اصلاحی که شده است بی بهره نمی مانند منتها حالا يك چیزی بنظر آقایان آمده است و اصلاح می کنند اما یکسال دیگر بضررهايش بر خوردند آنوقت. باز اصلاح میکنند. همیشه عیب قوانین ما هم همین است که يك دسته يك طبقه یا يك اشخاصی تصور میکرده اند که چون يك قانونی بمنافع يك جمعی که آنها در نظر گرفته اند اصطکاک دارد باید نوعی کرد که آن اصلاح بشود و وارد اصلاحش میشدند و فکر اساسی نمیکردند بعد دومرتبه دچار اشکال میشدند. حالا عوض اینکه بخودمان زحمت بدهیم و يك قانونی را راجع بنفع شمال یا جنوب اصلاح کنیم باید يك فکر اساسی بکنیم برای مملکت. استدعا دارم آقای دادگر التفات بفرمایند. بالاخره بنده تصدیق میکنم يك عده در مجلس بوسیله شکایات مولکین خودشان و يك طبقه احساس کرده اند که گرفتن صد سه و نیم از کل عایدات بضرر يك اشخاصی است و شروع کردند به اقدامات و طرح قانونی تهیه کردند و از اول مجلس اقدام کردند حالا هم آورده اند. مجلس. این را بنده تصدیق میکنم که بضرر يك عده بوده است ولی در عین حال این اصلاح هم بضرر يك عده خواهد بود فرمودید دلیل گفته شود حضرتعالی خودتان از اول تا آخر دلیل نگفتید. فقط از منافع و محسنات این قانون يك ذکر کردید ولی نمیفرمودید دلالتش چیست ولی بنده دلایل خودم را عرض میکنم. بنده عرض میکنم این قانون بضرر خرده مالك و بنفع عمده مالك است. هم در شمال و هم در جنوب منتها باین دلایلی که عرض میکنم در جنوب بیشتر بضرر خرده مالك است و در شمال کمتر. خرده مالکین در این مملکت تصدیق میکنند که همه چیز بعهده خودشان است. زمین بعهده خودشان است. آب

بمهره خودشان است، وسائل زراعت و تخم را خودشان میدهند و بالاخره کار را هم باید خودشان بکنند اما عمده مالک در طرف شمال اینطور نیست. در شمال شاید هشت عشر عمده مالکین صاحبان اراضی دیم هستند یعنی نه نهمه قنات کرده اند نه زحمت برای کشیدن آب کشیده اند نه اراضیشان را باید کود بدهند و عمل بیاورند فقط يك قنل جبالی است در يك نقطه از آنجا باجانب یا در کردستان که يك شخصی میگوید من مالک اینجا هستم. این را میدهد بيك رعیتی آن رعیت باید تخم بدهد برخلاف عقیده یکی از رفقا که میفرمودند کاه و تخم با مالک است. اینطور نیست. کاه و تخم و وسائل زراعت با رعیت است البته آنجا صد هفتادش را باید بدهند بدان رعیتی که بعقیده بنده همه اش را باید باو بدهند اما در جنوب اینطور نیست در قسمت کرمان یا زرد یا اصفهان و کاشان و نطنز و اردستان و تمام این خطه خشک ایران که بعقیده بنده اگر آقایان موافقت بفرمایند و از روی ادله که بنده عرض میکنم بکلی مالیات آنجا را حذف کنند بنده موافقت میکنم هر جور در طرف شمال بخواهند مالیات بدهند. برای اینکه در آنجا بکنفر مالک چهل هزار تومان خرج می کند يك قنات می کند. چاه می کند شصت ذرع عمق دارد تا این که به اندازه آب دادن يك جرب زمین در شبانه روز آب نهمه کند. باید برای بیست تومان محصول ده تومان کود خرج کند تا محصول عمل بیاید. این در قسمت را نمیشود با هم تطبیق کرد. آقای شریعت زاده هیچوقت یاد ندارند که برای نهمه آب در املاک مازندران صد دینار خرج کرده باشند برای اینکه خداوند هر روزه باران رحمت از آسمان بهشان میدهد و محتاج بنهمه قنات نیستند اراضی شان هم هیچوقت کود لازم ندارد. زراعت آنها فقط این است که بروند يك تخمی بپاشند بعد از شش ماه هفت ماه بروند ده برابر چهل برابر محصول جمع کنند ولی در اصفهان یا کرمان اینطور نیست قطع نظر از

هم هست. در يك ده می بینید دوسه جور معامله می کنند آنوقت شما که میگوئید از عایدات مالکانه بگیری البته باید دولت تخم بقی کند، مفتش بفرستد و بفهمد عایدات مالکانه چقدر است عایدات آن یکی را هم باید ببرد و بالاخره دولت مجبور است وارد زندگانی اشخاص بشود و ببیند مالک با رعیت چه جور معامله میکند تا عایدات مالکانه را بفهمند. عرض کردم حالا آقایان از روی يك احساساتی ممکن است موافقت کنند و يك دلائلی بیاورند و رأی هم بدهند و ما هم مطیع اراده رفقا باشیم ولی یقین دارم که همین رأی آقایان سبب میشود که یکسال دیگر اگر آن قبل از دستور شروع شود بعد طرح قانونی عقب سرش قانون را تغییر بدهیم چرا؟ برای اینکه دولت آمده است دخالت میکند و میگوید تو چرا صد هفت از رعیت میگیری و میخواهی بمن کم بدهی؟ با آن یکی زیادتر میگیرد. بالاخره دخالت در زندگی فردی اشخاص خواهد شد دلائل زیادتری هم هست ولی بنده برای اینکه سهم بسار رفقایم بدهم که بیابند و دلائل خودشان را بگویند به همین قدر قنات میکنم ولی عقیده شخص بنده بهمان دلیلی که در ابتدای غریضم عرض کردم این است که ما در عوض اینکه بیاییم و يك قانونی بضرر يك دسته یا منافع يك دسته یا يك گوشه مملکت بخواهیم بگذاریم باید يك فکر اساسی بکنیم برای تمام مملکت که هم شمال راحت شود هم جنوب و این يك فکری است که از اول در این مجلس بنده و آقای حائری زاده که اینجا تشریف داشتند و خیلی از رفقای دیگر معتقد بودیم که در این مملکت با این مأمورین و با این وضعیت باید مالیات ارضی از بین برود. شما بیائید امروزه يك مالیات عادلانه را که بشر ترجیح داده تمام مالیاتها وضع کنید و بانك تسهیلاتی اجرا کنید شما مالیات بر عایدات را بگذارید جای این مالیاتهای غلط که هر قدر اصلاحش کنید باز خراب است. شما خودتان الان فرمودید. آمدید برای مردم بیچاره زحمت خالصجات انتقالی را رفع کنید

است که فوق العاده اسباب زحمت همان طبقه رعیت و زحمت کش است این اصلاحی که شده مالیات آنها را بکلی موقوف کرده است که بکلی ملغی شود و از ایالاتی که تحت قاپو میشوند نگیرند. اما قسمتی را که آقای شیروانی اظهار کردند که در اینجا تفکیک سهم مالک از رعیت اسباب ملاحظه میشود این طور نیست قضیه بعکس است آنچه تا بحال معمول بوده است در این مملکت از چندین سال قبل تا بحال مالیات را از سهم ارباب میگردانند سهم رعیت هر چه بوده است کنار میگذاشته اند و از سهم مالک میگردانند و لی قانون جدید از عایدات کل معین کرده است و این مسئله تولید يك اختلافی مابین ارباب و رعیت کرده است و زیرا همه جا اربابها میخواهند مالیات را از کل بردارند و بعد میگویند حالا بیایید تقسیم کنیم رعیت هم زبر این از نمیرود و میگوید قبلاً باید سهم من را بدهید حالا که شما مقید میکنید از کل بردارند بعد رعیت و ارباب خودشان میدانند این حرف را مانعاید بزنیم باید بگوئیم که مالک باید مالیات بدهد بدیهی است مالیات را کسی میدهد که انتفاع میبرد يك حقی میبرد کاه و بذر و اینها از عواملند و نباید مالیات بدهند قانونی که ما برای اینکار داریم این راه را بسته و در مواقع معینه مالکین مینویسند اجحاف کنند و حرفشان صحیح است زیرا میگویند... مخصوصاً در بعضی قسمتها میگوید با این ترتیب که شما معین کرده اید من نصف عایدات را مالیات باید بدهم. ملک من نه خالصه است نه چیزی خوب البته او هم برعیت فشار می آورد. این است که ما هم ناچار شدیم قید کردیم باید از سهم مالک بدهند حالا کار نداریم که تقسیم مابین آنها چیست. هر چه میخواهد باشد. تصره هم که در ماده بعد ذکر شده پیش بینی این قسمت را کرده است حتی در جاهائی که خود مالک متصدی امر رعیتی است باید مطابق معمول محل سهم او معین شود و از آن سهم مالیات بگیرند.

پس در این قانون جدید برخلاف قانون سابق سعی نده است که تفکیک شود مابین سهم رعیت و سهم ارباب برای اینکه مالیات بسهم ارباب تعلق میگیرد. در هر حال اینها يك مسائلی است که قابل مذاکره است در ضمن شور مواد. ولی اساساً در اینکه قانون همبزی فعلی يك زحمت و اشکالاتی دارد که ما نمیکنم آقایان مخالفت داشته باشند اما باید در مواد پیشنهاد بفرمایند که بيك قسمت هائی مالیات تعلق بگیرد یا کمتر باشد. اینها را باید طوری اصلاح کرد که هم از نقطه نظر کلی رعایت حال مملکت شده باشد و هم قانون اصلاح شود

رئیس - آقای باسائی

باسائی - مذاکرات مفصلی از طرف موافقین و مخالفین راجع باصلاح این قانون شد ولی ما به الاختلاف مربوط باین موضوع آنطوری که میباشد گفته نشد و کلاهی قسمت شمال و غرب ایران شاید راضی باشند که باین ترتیب اصلاح شود ولی وکلای جنوب و شرق ناراضی هستند. چون وکلای شرق حاضر نیستند و عده شان کم است شاید آقای حاج امین و زوار و یور تیمور که چند نفر بیشتر حاضر نیستند نوبت بانها رسیده والا آنها هم اظهارات خودشان را دایر مخالفت میگردند. حالا علت مخالفت ماها با اصلاح باین طرز چیست؟ و علت اینکه آقایان میخواهند اینطور اصلاح کنند چیست؟ هر دو حق داریم و بعقیده بنده راه حل هم داریم سر صد هفت و صد نه نیست. شکایت از این نیست. اینکه گفته میشود که ما نمیخواهیم وارد تقسیمات زراعتی بشویم مطلب این طور نیست. اصلاح آن چیزی که باعث آوردن همچو طرحی به مجلس شورای ملی شده است این است که تقسیمات زراعتی در مملکت مختلف بوده و باعث شکایت آذربایجانها و غیر ذلك شده. ملائکین آذربایجان همانطور که آقای آقا سید بعقوب فرمودند بخود بنده هم کمراراً شکایت کرده اند شکایتشان را هم دارم. ملائکین آذربایجان و شمال حق دارند ما هم حق داریم که مخالفت می کنیم. شمالیها چه اعتراضی دارند به این قانون؟ می

بگویند زراعت در مملکت چند جور منقسم می شود در يك قسمت پنج يك است. چطور پنج يك است؟ چهار قسمت زارع و رعیت میبرد يك سهم مالک. در يك قسمت مملکت کاملاً برعکس است یعنی چهار قسمت از پنج قسمت را مالک میبرد و يك قسمت رعیت

جلائی - با مخارج

باسائی - البته با مخارج و غیره ولی سهم آدم با سهم کار یکی نیست. در يك قسمت مملکت سه قسمتی است دو ثلث رعیت میبرد يك ثلث مالک. در يك قسمت کاملاً بعکس است جاهانش را هم الان بنده عرض میکنم. در آذربایجان اینطوری که ما بشنویم تقسیمات همان سه قسمتی است دو ثلث رعیت میبرد مخارج هم با رعیت است يك ثلث مالک. در خراسان قضیه معکوس است دو ثلث مالک میبرد يك ثلث رعیت. حق آنها البته باعمال میشود. در کردستان تقسیم زراعتی اینطور است که در پنج قسمت چهار قسمت رعیت میبرد يك قسمت مالک. در دامغان قضیه معکوس است چهار قسمت مالک میبرد يك قسمت رعیت. آذربایجانها چه شکایتی دارند؟ میگویند شما نوشته اید صدسه و نیم از کل عایدات از سهم مالکانه در اینصورت این مالیات تعلق میگیرد باین يك ثلثی که سهم مالک است و این يك تخمبلی است زیرا دو ثلث عایدات از مالیات معاف است فقط تعلق میگیرد بيك ثلث سهم مالک. حق هم با آنها است. و این يك تخمبلی زبانی است. چرا اینطور است؟ چون تقسیم زراعتی این است. برای اینکه رعیت خودش عهده دار کاه بندی است و چون بذر و مخارج و اینها بعهده او است این است که بهچوقت زیر بار نرفته است. شما هم که قرار داده اید از سهم مالکانه گرفته شود. باین جهت مالکین شاکی هستند. اما ما که شکایت داریم از این طرز اصلاح این است. تعمیم هم نیست. در دو ناچار نیستیم. شما میگوئید صد نه از سهم مطلق مالکانه همان مثالی که بنده زدم آذربایجان و خراسان را بالمقاله و طرف مقابله قرار میدهیم به بینیم نتیجه چه میشود

فرض میکنیم يك دهی در خراسان هزار تومان عایدی مطلق مالکانه اش است. این چقدر مالیات بهش تعلق میگیرد؟ مطابق اینقانون بحساب اینکه دو ثلث مالک میبرد بيك ثلث رعیت از هزار تومان عایدی هفتصد و خورده سهم مالک میشود و صدنه هفتصد و پنجاه تومان را باید حساب کرد. پس در خراسان از يك ده که هزار تومان عایدی دارد جزو جمعش اینطور است که دولت صد نه از هفت صد و پنجاه تومان را میگیرد ولی در آذربایجان قضیه معکوس است. صد نه را از سیصد و پنجاه تومان باید حساب کرد چرا؟ برای اینکه اینجا مالک ثلث میبرد. شما میگوئید (سهم مطلق مالکانه) سهم مطلق مالکانه خراسانی دو ثلث است. سهم مطلق مالکانه آذربایجانی يك ثلث است. در جزو جمع تفاوت پیدا میکند. شخصی کار نداریم. باین ترتیب يك ده در خراسان مالیات میدهد از روی هفتصد و پنجاه تومان. و سیصد و پنجاه تومان از مالیات معاف میشود و برعکس نقطه دیگر از سیصد و پنجاه تومان مالیات میدهد. فرض بفرمایید: در قسمت کردستان و دامغان که معکوس تقسیم میکنند. بيك مزرعه که دو بیست تومان عایدات دارد از این دو بیست تومان در کردستان سهم مالک میشود. چهل تومان صد نه چهل تومان در کردستان میگیرند اما در دامغان سهم مالکانه صد و شصت تومان است و شما مطابق این قانون صدی نه از صد و شصت تومان را میگیرند. عمل دو ده در کردستان و دامغان فرضاً دو بیست تومان است از این دهی گیرند از صدی شصت عایدات. از آنجا میگیرند از صد چهل عایدات که کاملاً معکوس است. خیلی غریب است! آنجا از يك ده دو بیست تومان مالیات صد نه چهل تومان تعلق میگیرد در اینجا به صد و شصت تومان. در هر صورت شکایات آقایان مازندرانی و استرآبادی و ولایات غرب و آذربایجان اینها است. در اظهارات آقای شیروانی هم بنده نمیخواهم وارد بشوم که زراعت تقسیمش در مملکت چطور است چشمه سار تفاوتش با قنات چیست. قنات یزد و کرمان مخارجش چقدر است. اینها بيك قسمتهای کوچک

و اصلاحات جزئی است اگر بخواهیم وارد شویم زیرا همانطور که زراعت در جنوب زحمت دارد البته در شمال هم دارد. شالی کاری را اگر آقایان به بینند که آن زهای بدبخت چطور کار میکنند تصدیق میکنند که زحمت آنها خیلی بیشتر از زراعت است و جو و این چیزها است. در هر صورت نمیخواهیم وارد این قسمتها شویم. فقط عرضی که ما داریم این است که شما بیایید يك قیدی در این قانون بکنید و ماده اول را بنویسید صد نه یا صد هشت یا صد هفت هر قدر دلتان می خواهد. از باب سهم عابدی خالص مالك كه تعلق به آب و ملك دارد آن وقت در تمام مملکت يكی می شود برای این که ما مالیات بر خرج نمی بندیم بر گاو و بذر هم که نمیخواهیم مالیات ببندیم بر عابدی آب و ملك میخواهیم مالیات ببندیم. این قید را در این قانون بکنید که هر چه مالیات وضع میشود در هر دهی تعلق بگیرد به سهم آب و ملك آنوقت با اختلاف تقسیمانی که در مملکت است آنقدرها تفاوت حاصل نمیشود و ما هم اینجا به سر هم نمیزنیم حالا که آقایان راضی هستند پس این قید را بکنید ما هم موافقیم و آنوقت تفاوتی در جنوب و شرق و شمال حاصل نمیشود یعنی سهم مطلق مالکانه معنایش این است که این مالیات تعلق میگیرد بر آب و خاک آنوقت درست میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

معاون وزارت فوائد عامه - در موقعی که لایحه سندیکا در مجلس تصویب شد قانون پنج میلیون تومان بموجب تبصره که بآن قانون اضافه شد لغو شد و يك مخارجی بود که باید بشود و چون بواسطه الغاء آن قانون ممکن نشد آن مخارج بشود لهذا این لایحه که

برای بعضی مخارج و اعزام يك عده محصل به خارجه است تقدیم میشود که برود بکمیسیون وزیر مالیه - چند فقره لایحه است که تقدیم میکنم یکی راجع به برقراری شهریه برای یکی از اعضاء ادارات که در سر خدمت تلف شده يك لایحه است برای اجازه فروش سه هزار و پانصد ذرع مربع زمین واقعه در شهر شیراز که بزازده گذارده میشود یکی راجع مؤسسات رهنی است یکی هم راجع به اعتبار مستحک و وزارتخانهها است يك لایحه هم هست راجع به تکمیل قانون که از مجلس گذشت راجع بخريد خانه برای سفارت خانه در سه نقطه مهم پاریس لندن و آنقوره و اجازه اینکه در بودجه ۳۰۸ و ۳۰۹ تعهدی برای پرداخت آن باقسط بشود - يك قانون دیگر است راجع به ملدیه رئیس - گفته شد مذاکرات در کلیات کافی است مدرس - کافی نیست - بنده مخالفم و اجازه خواسته بود.

رئیس - بفرمائید

مدرس - چون حقیقه این يك مسئله خیلی مهمی است و در واقع باقیات صالحات این مجلس است به عقیده بنده اگر آقایان اجازه بدهند که در این باب قدری صحبت داشته شود خیلی خوب و بموقع است. بنده هم اجازه خواسته ام. استدعا دارم آقایان اجازه بدهند که بنده در این باب قدری مذاکره کنم تا بلکه انشاء الله در ضمن این قانون را با اصلاح تغییر بدهیم تا اینکه بصورت بهتری اصلاح کنیم. لهذا اگر اجازه داده شود که بنده عرض را عرض بکنم خیلی بموقع است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - ما همه موافقیم که آقای مدرس فرمایش خودشان را بفرمایند ولی چون نوبت سایر آقایان است و اگر بنا شود به ترتیب مذاکره شود امروز نوبت بایشان نمیرسد خوب است سایر آقایان

نوبت خودشان را به آقای مدرس بدهند نامطالب ایشان کلمه شود و مذاکرات هم کافی شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس تصویب نشد. آقای مدرس

مدرس - عقیده من این است که ما هر خدمتی که در نظر داشته باشیم باین مملکت بکنیم چه برای اقتصاد، چه برای سیاست، چه برای دیانت. باید يك کاری بکنیم که این مملکت روبه آبادی رود بنده گمان میکنم تمام این مقاصد بسهولت درست شود و صورت بگیرد. ولی مادامی که این مملکت خراب است و مبنای خرابی هم بی بضاعتی مردم است اصلاحات آنطوریکه لازم است نمیشود و چون این مملکت يك مملکت زراعتی است ما باید راجع باین موضوع يك قدمهائی برداریم البته يك کارهائی در نظر بوده و هست و کلام این است که همه آقایان ملتفت هستند. یکی از آن کارها این بود که ما خالصجات را بفروشیم. خالصجات انتقالی را هم که اصلاح کردیم و انشاء الله الرحمن این خالصجات را هم اصلاح خواهیم کرد. ولی یکی از کارهای مهمی هم که باید اصلاح کرد مسئله مالیات ها است. این مالیات که منتهی اسباب خرابی است. در دو دوره مجلس دوره چهارم و پنجم خیلی افکار متوجه این مسئله بود. يك قانون مجزی هم از مجلس گذشت ولی الحق و الاصاف از جهانی با مشکلات برخورد الان هم آقایان این لایحه را پیشنهاد و مطرح کرده اند این هم بعقیده بنده يك اشکالاتی دارد و باید اصلاح شود. اگر چه نواقصش را بنده عرض خواهم کرد ولی در این دوره ششم در اول دوره يك کاری مجلس کرد که به عقیده بنده خدمت خیلی خوبی بود و آن الغاء مالیات اصناف بود. بجهت اینکه يك چیز خیلی مختصری عاید دولت میشد ولی ضررهای خیلی زیادی متوجه مردم و افراد ضعیف این مملکت میشد. خاطر آقایان شاید باشد که يك وقتی کمرکات ایران يك وضعیت خاصی داشت

و از هر شهری کمرک می گرفتند بنده خوب بخاطر دارم که این ترتیب خیلی اسباب زحمت مردم میشد تا آمدند کمرک را سرکرت دادند در سرحدات و با این ترتیب هم عایدات دولت زیاد شد و هم زحمت مردم کمتر شد الان هم این مالیات ارضی که میگویند پنج میلیون عایدات دارد بطور قطع به عقیده بنده دو سه میلیون خرج دارد خیلی بیشتر از آنچه عاید دولت میشود برای مردم زحمت دارد. باید در این موضوع يك فکری کرد که رفع دردسر از مردم بشود و زراعت هم رقی کنند برای این مقصود به عقیده بنده بهتر این است که موقتاً ما این مالیات را موقوف کنیم. تا ببینیم چه نتیجه میدهد. چون عقیده ما این است که ما امکان مالیات را از جائی اخذ کنیم که طرفیت ما و مردم دولتی با افراد کم شود. و از طرفی هم البته هر چه مخارج مملکت است باید افراد این مملکت بدهند حالا که مخارج پنجاه کروار است مردم میدهند. اگر پانصد کروار هم باشد باز باید اهل این مملکت بدهند فرق ندارد. بالاخره مخارج هر مملکتی را اهل خود آن مملکت باید بدهند. منتهمی باید حسابش را کرد از کدام طرق باید این مالیات را از مردم گرفت که هم عایدش زیاد باشد و هم زحمتش برای مردم کمتر باشد. مطلب این است. این مالیات ارضی که فعلاً گرفته میشود برای دولت عایدی زیادی ندارد برای مردم هم زحمت است. هر کدام از شما ها که ملك دارید خوب ملتفت شده اید. اگر چه بنده خودم ملك ندارم ولی از حد اتفاق زحمت ملك داری کشیده ام و میدانم. الان این موقوفه که در دست بنده است بعضی املاک در سال خمس عایدات دارد. بعضی دو خمس و در غار و فشافویه نصف عایدی دارد. غرض این است که بنده از هر سه چهار جور ملك و طرز عابدی آن اطلاع دارم. اگر چه توفیق رفیق بنده است که هیچ ملك ندارم ولی از باب اتفاق از هر سه قسمتش خبر دارم و میدانم دولت چطور معامله میکنند با مردم و چطور

اسباب زحمت مردم میشود لهذا بنده عقیده ام این است که اگر دولت و مجلس در این مسئله موافقت کنند و این مالیات را موقوف کنند يك خدمت خوبی باین مملکت کرده اند . اینکه میگویم موقوف کنند البته در این مملکت اشخاص بصیر و مطلع هستند و همه نظر اصلاحی دارند و این کار را برور میکنند ولی در دوره ششم اگر این خدمت به مملکت بشود در واقع مثل این است که این مملکت از فقر و مردم را از عسرت نجات داده باشند . ما باید از برای این چند ملیون عایدات مالیات ارضی يك محلی پیدا کنیم که ضررش برای مردم کمتر باشد ولی با این حال موافقم با ممیزی ممیزی را باید کرد کتاب آرا هم باید تهیه کرد منتهی باید عمل نکرد . بجهت اینکه وضعیات دنیا همه روزه فرق میکنند شاید يك وقتی رای ما اتفاقی بیفتد مثل اینکه در جنگ عمومی این اتفاق افتاد و عوائد غیر مستقیم و گمرک ما خیلی کم شد پس ما باید این کتابچه ها و صورت ها را داشته باشیم تا بتوانیم در موقعش استفاده کنیم ولی عملاً باید يك فکری برای این مالیات کرد این است که به عقیده بنده اگر آقایان موافقت بفرمایند دولت و وزیر مالیه هم موافق باشند با این مالیات را لغو کنند و جای آن محل مناسب تری بگذارند با این که اقلاً اصلاح کنند و پایه را روی میزان دو خمس عایدی قرار دهند که در تمام سراسر ایران همان دو خمس را بگیرند تا هم از روی عدالت رفتار شده باشد و هم بین جنوب و شمال فرقی نشده باشد حالا بیانش چیست ؟ این مطالب و لازم این است که ما مالیات را باید از آب و زمین بگیریم . نه از عایدی بذر و کار ما از عایدی بذر و کار . ما از بذر و گاو و کار مالیات نمی خواهیم . از آب و زمین میخواهیم . اگر حسابش را بفرمایند همین مازندران که از بیست خروار برنج رعیت بازده خروار میبرد همان يك قسمتش که بمالك میرسد از بابت زمین است باقیش از بابت زحمت دیگر است و از آن قسمتی که راجع آب و زمین است دولت

حق دارد . آن قسمتی که مربوط بکار و زحمت خود رعیت است باید مال خود رعیت باشد . و دولت مستحق همان مالیات چهار پنج خرواری است که از بابت زمین باید ببرد . زمین عدس دارد نخود دارد لوبیا دارد هر چه دارد رعیت خودش زحمت کشیده و اینها را کاشته باید مال خودش باشد . و دولت باید عایدی واقعی زمین را ببرد پس اگر آقایان موافقت بفرمایند و از آب و زمین عشر بگیرند غیر از املاك دیمی و مازندران که آب رودخانه اش منزله باران است و باید خمس بگیرند اگر از همه جا خمس و دو خمس بگیرند با این ترتیب گناهان این است . که نه شمال و نه جنوب و نه مازندران هیچ جا اجحاف نشده و از روی عدالت مالیات بسته میشود پس اگر آن پیشنهاد اولیه مرا قبول بفرمایند در کمیسیون حاضر شوید بنده را هم اگر صلاح بدانید حاضر بشوم در آنجا مذاکره کنیم بلکه يك محل خوبی برای این چهار ملیون پیدا کنیم و اگر آرا صلاح ندانستید و خواستید این لایحه را بگذرانید بوجب يك ماده واحده عایدات را بر آب و زمین قرار دهید و يك عشر بر مجموع عایدات مالیات به بنده آنهم در غیر دیم و در قسمت دیمی و رودخانهای دائمی خمس ...

دشقی - خمس از عشر .
مدرس - بله بله اصف عشر . چه پیش هم این است که در آنجاها آب ربطی بمالك ندارد . و عشر در جاهائی که قنات آب و امثال قنات آب است گرفته شود دیگر صد هفت و صد هشت و اینها هیچ فلسفه ندارد
وزیر مالیه - خطر آقایان مستحضر است که اساس قانونی که چندین قبل از این مجلس گذشت و نام قانون ممیزی با اصطلاح مالیه مالیات و املاك ارضی تصویب شد در نتیجه يك نارضایتی ها و يك مشاهدت نا مطلوبی بود که از اوضاع مالیات سابق پیدا شده بود در صورتیکه جزو جمعی که قبلاً معمول بود چیزی بود که خود مردم بآن عادت کرده بودند و در واقع

جزو عادات بود و عادت هم در قسمت های مالیاتی یکی از عوامل مؤثر است ولی بواسطه اینکه خود این جزو جمع ها مبنی بر يك ممیزی بوده که این ممیزی مالیات دراز و ازمنه قبل بعمل آمده بود و اوضاع مملکت هم فرقی کرده بود حقیقتاً لازم بود در آن تعدیل هایی بعمل آید . فکری که در این قضیه هادی دولت و مجلس شورای ملی بود این بود که يك قانونی بگذرد که يك تعدیلی در صورت مالیاتها فراهم بیاورد . و يك اجحافات و تعدیلی هم که از سابق تولید شده بود بر طرف شود و در ضمن هم البته يك عوائد زیادی بدوالت عاید شود . این فکر ها بود که وضع آن قانون را ایجاد کرد . ولی مسلم است که فکر اصلی و اولی مسئله تعدیل و رفع بی رویه گی هایی بود که در کار بود . در این ضمن ها يك فکر دیگری خیلی جریبان داشت و آن این بود که طرز مالیات و مالیات گیری طوری بشود که خیلی ساده تر باشد بطوریکه حتی المقدور کمتر بین مأمورین دولت و مردم تماس پیدا شود . و عوائد مالیاتی هم زودتر و سهل تر بحیثیه وصول در آید . در نتیجه این افکار قانون ممیزی و مالیات بر املاك ارضی از مجلس گذشت که صد سه و نیم از کل محصول بود . در آن موقع البته آقای مدرس بخاطر دارند که بین خود ما که در مجلس بودیم و زمامداران وقت و اولیاء امور يك اختلافی در این مآخذ موجود بود . عده زیادی بودند و عقیده داشتیم اگر نمای عایدات را روی کل محصول قرار ندهند سهل تر و بهتر باشد . ولی دلایل اقامه کردند و با فشاری کردند تا بالاخره ما هم موافقت کردیم با نظر دولت و در آن موقع این ترتیب را قبول کردیم که مبدل شود به صد و سه نیم و این ترتیب منطبق علیه همه شد . ولی آن قانون يك موعدی داشت که حداکثرش دو سال بود و این موعد هم برای این پیش بینی شده بود که ممیزی هایی که لازمه اجرای این قانون است در سراسر مملکت بعمل آید ولی در ضمن عمل چه در موقع ممیزی و چه در موقع وصول مالیات بواسطه همین مسائل که آقایان اینجا

تذکر دادند اختلاف پیدا شد . و این اختلافات هم ناشی از اختلافاتی بود که در تقسیمات بین مالک و رعیت در نواحی مختلفه ممالک معمول بوده از این جهت اجرای این قانون به مشکلاتی برخورد . و برور در آن مطالعه کردیم و برای دولت مسلم شد که در این قانون اصلاحی لازم است . و طرق مختلفه که همیشه در نظر بود و در اطراف آن ها مذاکره میشد همه تحت مطالعه در آمد و اتفاقاً این ترتیب مصادف شد با موقعی که خود بنده متصدی امور مالیه شدم . مطالعاتی قبلاً شده بود . مطالعاتی هم در موقع تصدی بنده شد . و بالاخره با رعایت جمیع نکات حاضر شدیم که يك لایحه بمجلس پیشنهاد کنیم و آن لایحه هم از طرف دولت تقدیم شد که لایحه وضع مالیات بر عایدات است که در نتیجه وضع مالیات بر عایدات این مالیات ارضی را از بین ببریم . زیرا عایدات اعم است . خواه از زمین باشد خواه از محلهای دیگر . در هر حال بموجب آن لایحه عایدات اشخاص مأخذ و مبنای مالیات قرار می گرفت . منتهی برای اینکه تسهیلی هم شده باشد و مالیات ارضی عملاً لغو شده باشد و این نظر دومی هم که حالا آقا تذکر دادند تحت مطالعه در آمده باشد و تکمیل شده باشد باین نظریات ما آمدیم و يك مبنای از عایدات را از مالیات معاف کردیم که در مقام مقایسه شاید هفت دهم از مالیات ارضی این مملکت مشمول آن معافیت واقع میشد . و آن قسمتهای زراعتی که مقصودشان تکمیل به زراعت و فلاحیت بود معاف می شدند .
و در حقیقت معافیت بر سنج عایدی ارضی قرار نمیگرفت بلکه بر کم و زیاد عایدی قرار میگرفت اینهم يك اصلی است که البته تصدیق بفرمایند خیلی عادلانه است . البته ما که این لایحه را تهیه و تنظیم کردیم از نتایج قطعی آن اطباءمان قطعی نمی توانستیم داشته باشیم برای اینکه این طرز يك طرز جدیدی بود که تا کنون هیچ وقت در مملکت عمل نشده بود و يك احصائیه های صحیحی هم که در مملکت ما موجود نیست از این جهت ما

نمی توانیم بگوئیم که این ترتیبی را که وضع کرده ایم و مقرر میداریم چقدر عابدی دارد. از این جهت و برای اینکه در عایدات تقصانی حاصل نشود باید این عمل را توأم کرد بیک یا دو عمل دیگری که هر يك در مقام خودش يك محسنانی دارد. من جمله یکی انحصار زبک است که از مسائل خیلی خیلی مهم است. و آقایان در نظر دارند که نسبت مالیات غیر مستقیم این ترتیب انحصار بطور اکل و اوفی خوب است. مخصوصاً نسبت به زبک که هم عوائدش زیاد است. و هم بزراعتش نحمیلی وارد نیاید و هم تجارتش محفوظ بماند. و این ترتیب اگر حمل به مبالغه نشود مبالغه خیلی زیادی عابدی خواهد داشت ما این ترتیب را تحت مطالعه گذاشتیم ولی برای این که خوب در اطراف آن دقت شده باشد و این کاری که به عقیده ما اساساً خوب است. این لایحه در کمیسیون قوانین مالیه مورد بحث واقع شد و مورد تکرانی واقع شد. بعضی از آقایان دلائلی اقامه کردند و بیک ارقام صحیحی را طالب شدند و بیک مطالعات بیشتری را خواستند و چون ما هم خواستیم نظریات نمایان را تکمیل کنیم و استدلالات خودمان را محکم تر کرده و بیک ارقام صحیحی را عرض کنیم از این جهت مطلب همینطور ماند. بیک قسمت از آن لایحه مربوط به مسئله خالصه انتقالی بود که بطور جداگانه به مجلس آمد و تصویب شد. راجع به قسمت انحصار هم از طرف کمیسیون قوانین مالیه با تغییر ماهیت و شکل بیک خبری تقدیم شده ولی این را باید عرض کنم که آن خبری که تقدیم شده با نظر اصلی دولت تطبیق نمیکند. ولی قسمت مالیات بر عایدات که اصل مطلب بود ترتیبش همین بود که در ضمن تاربخچه عرض کردم و این عرایض برای این بود که مطلب بر آقا و سایر آقایان دیگر روشن شود.

سابقاً بک طرحی به مجلس پیشنهاد شد و به کمیسیون فرستاده شد راجع باصلاح قانون مصوب روی پایه که فعلاً این خبر تقدیم شده. بنده چون دیرم موعده دو سال دارد

دولت ابلاغ نشده باشد ما ناچاریم مطابق همان قانون مصوب موجود که در دست است عمل کنیم پس برای بنده در این کار زلزلی نیست و هیچ مؤدی هم اجازه نمیدم که تصور يك زلزلی در قانون بکنند زیرا ر طبق همان قانونی که در دست ما هست عمل خواهیم کرد و اگر يك تاخیری هم تا محال شده بود راجع باعتبار تمیزی بود که آنهم چند روز قبل تصویب شد. از اینجهت بنده مجبورم بطور علی الحساب عمل کنم و تصدیق هم مفرمایند که معاملات علی الحسابی خوب معاملاتی نیست و مالیه که پایه و اساس روی کار محکم باشد چه از حیث وصول و چه از حیث مخارج از معاملات علی الحساب باید احتراز کند. زیرا این روبه يك روبه است که اشکال زیاد تولید میکند - حالا که آخر جلسه است و اینقانون هم که امروز تصویب نمی شود. از اینجهت بنده تقاضا میکنم که در ضمن این فرصتی که در بین این جلسه تا جلسه دیگر خواهند داشت راجع باین مطلب عطف توجه کنند و در کمیسیون قوانین مالیه حاضر شوند. آقایان اعضای کمیسیون نظر

دولت را بیدانند. خود بنده هم اگر لازم باشد حضور بهم میرسانم آقایان هم تشریف میآورند و مذاکرات لازمه را در آنجا میکنیم بلکه انشاء الله موفق شویم هر شکلی باشد يك راه عملی پیدا کنیم بشرط اینکه آن نظریه بنده هم محفوظ بماند در اینصورت هر نظری انخاذ شود بنده حاضرم موافقت کنم

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده

نمایندهکان - صحیح است

رئیس - پیشنهادی هم راجع بدستور رسیده است

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای بدر

پیشنهاد مینماید که خبر کمیسیون بودجه راجع شهریه آقا میرزا لطف علی صدر جزو دستور جلسه سه شنبه شود

رئیس - رأی به پیشنهاد آقای بدر می ماند برای جلسه بعد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد